



امام خمینی(ره) روح انقلابی‌گری و حماسه را در کالبد بشر دمید

آیت الله رشاد گفت: امام روح انقلابی‌گری و حماسه را در کالبد بشر دمید. درست در همان زمانی که امام انقلاب کرد، همگی انقلاب‌ها در حال افول بودند و همگی هم نابود شدند.

آیت الله رشاد گفت: امام روح انقلابی‌گری و حماسه را در کالبد بشر دمید. درست در همان زمانی که امام انقلاب کرد، همگی انقلاب‌ها در حال افول بودند و همگی هم نابود شدند.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت‌الله علی‌اکبر رشاد مؤسس و رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و رییس شورای حوزه‌های علمیه استان تهران، در ابتدای درس خارج اصول روز شنبه مورخ ۲۱ بهمن ماه جاری در حوزه علمیه قم (ع) سخنانی در خصوص راهپیمایی ۲۲ بهمن مطرح کرد که در ادامه می‌خوانید:

این ایام، دهه فجر نامبردار شده و این نام‌گذاری ملهم از تعبیری است که حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه، راجع به ماهیت انقلاب داشته‌اند که: «انقلاب ما انفجار نور» بود. هرچند که این تعبیر استعاره و شاعرانه است، از دقت بسیاری برخوردار است. الحق که در عمق ظلمت مدرنیته و در تیه ظلم حکومت‌جور، این اتفاق یک انفجار بود و انفجار نور.

به این نکته، حتی رقبای ما و بلکه معارضین انقلاب نیز اذعان می‌کنند. من از بعضی سران ادیان که چهره‌های جهانی رهبری بعضی ادیان مهم‌اند، شنیده‌ام که اعتراف می‌کردند که امام آمد و در تاریخ چرخشی ایجاد کرد. در حالی که جهان یکسره و چهارنعل به سمت مادیت می‌تاخت و طی قرون اخیر و بعد از دوره رنسانس و نوزایی، باشتاب به سمت الحاد و سکولاریزم پیش می‌رفت، ایشان یکباره به تاریخ تغییر جهت داد و منشأ تحول در حیات کل بشر شد.

آنچه امام رضوان‌الله و سلامه علیه، در این قیام عظیم انجام دادند، در قیاس با اقدام بعضی از انبیاء موفق‌تر بود. ما در تاریخ انبیای بزرگی داشتیم که به رغم تلاش مستمر، ممتد، متمادی و ایثار و نثار وصف‌ناشدنی، توفیق چندانی به کف نیاوردند. خداوند متعال به این بزرگوار توفیق داد تا اتفاقاتی را رغم بزند که به جهت مساعدبودن شرایط این دوره، و مساعدنبودن ظروف و شرایط در مقاطع دیگر تاریخی، بعضی از انبیاء و اولیاء هم نتوانستند این مایه و این میزان توفیق را کسب کنند.

انقلابی که اولاً در اوج نشاط و قوت مدرنیته، در نقد و نقض آن واقع شد، و ثانیاً، به ظاهر، در اوج حاکمیت ادبیات مبارزاتی مارکسیسم و چپ اتفاق افتاد و ادبیات مبارزه را تغییر داد. این انقلاب، زبان مبارزه، منطق مبارزه، ابزار مبارزه، فرهنگ مبارزه را تغییر داد و با تغییر ساختاری آرمان‌های انقلابی، آرمان‌های جدیدی را جایگزین آرمان‌های رایج در میان مبارزان سراسر جهان کرد.

در یک سوی جهان گفته می‌شد که دین جزء عهد سنت است، روزگار آن سپری شده و دیگر متعلق به این زمانه نیست و قابل احیا نیست؛ اما ایشان آمد و دین را محور حیات قرار داد. در دیگرسوی جهان گفته می‌شد که دین افیون توده‌هاست و به کار مبارزه نمی‌آید؛ اما ایشان آمد و دین را ابزار، بلکه مبنای مبارزه و جهاد قرار داد و دقیقاً ناقص هر دو جامعه مسلط جهانی، یعنی لیبرالیسم و مارکسیسم، شد و این دو نگرش و نگاه را نسخ کرد.

مهم‌تر اینکه این انقلاب در روزگاری اتفاق افتاد که رسم انقلابی‌گری در حال زوال منسوخ‌شدن بود و لیبرالیسم موفق شده بود انقلابی‌گری را قبیح نشان دهد و تحت عنوان اصلاح‌گرایی، راه دیگری را پیش روی انقلابیون قرار دهد تا آنها را با شعار اصلاح‌گرایی، از انقلابی‌گری بازدارد. همه سعی قدرت‌ها این شده بود که انقلاب‌ها را منکوب کنند و کسانی را که داعی و مدعی انقلاب هستند به فرمیسم دعوت کنند و همه انقلاب‌ها نیز منکوب و سرکوب شد؛ یعنی اکنون در کره زمین هیچ انقلابی سرپا نیست. درست در همان اوانی که امام انقلاب کرد، همگی انقلاب‌ها در حال افول بودند و همگی هم نابود شدند. اگر پیش از پیروزی انقلاب و یا احیاناً مقارن با انقلاب اسلامی، در گوشه‌وکنار جهان، چیزی هم از تحركات انقلابی به چشم می‌خورد همگی از میان رفت و دیگر جایی نیست که مدعی انقلابی‌گری باشد.

این در حالی است که امام از نو روح انقلابی و گری و حماسه را در کالبد بشر دمید و برخلاف تدابیر بسیار طولانی و پیچیده و ای که قدرت و زنجیرهای جهان و کانون و زنجیرهای قدرت و ثروت به و کار بسته بودند تا از شر انقلابی و گری راحت شوند و تصور می و شد که دیگر روزگار انقلابی و گری و سخن و زنجیر گفتن از انقلاب سپری و منسوخ شده و عملاً هم همه و زنجیر انقلاب و زنجیرها منکوب شدند، امام انقلابی را بنا گذاشت که دوام آورد. انقلاب و زنجیرها عمر کوتاهی داشتند و معمولاً در حد یک قیام جواب می و دادند. انقلاب و زنجیرهایی که حتی ما متأثر از آنها بودیم و علاقه و زنجیرمند بودیم و پیوسته با شوق خاصی از آنها سخن می و گفتیم، مثل انقلاب الجزایر، عمرشان به پنج سال یا ده سال نمی و رسید.

پیوسته وعده داده می و شد که این انقلاب تا شش ماه دیگر، یا یکی دو سال دیگر تمام می و شود، اما اکنون یک اربعین از این مسکر نورانی سپری شده و بالنده پیش می و رود و مرزها را در نور دیده و یک منطقه را با آرمان و زنجیرهای انقلابی درگیر کرده است. به و جای افول و گراییدن به ضعف و سردی، روزافزون و بلکه لحظه و زنجیرافزون، فروغ و زنجیرافزا و رو به گسترش و ژرفایش است، و این مسئله به معضل ابرقدرت و زنجیرها در جهان تبدیل شده است.

ابرقدرت و زنجیرهایی که توانسته بودند انقلابی را که نیمی از جهان را اشغال کرده بود و به لحاظ کمی، جمعیت دو سوم جمعیت جهان را تحت سیطره داشت، تحت کنترل درآورند. کشورهای بزرگی چون چین، کشورهای شرقی و اقماری چین، کمونیست و زنجیرها و شرق غرب و ابرقدرت مقابل ابرقدرت و زنجیرهای غربی، یعنی شوروی با آن عظمت، به لحاظ کمی جمعیت عظیمی از جهان را در اختیار داشتند. جمعیتی که در این بخش از جهان تحت سلطه چپ و در مجموع جریان مارکسیسم بود بسیار بیشتر از جمعیتی بود که در بخش دیگری از جهان تحت اشراف لیبرالیسم قرار داشت. آنها چنین جمعیتی را در قبضه داشتند و در کنار آن، شخصیت و زنجیرهای عظیم، قدرت فراوان، سلاح بسیار و ثروت بسیار عظیمی را در اختیار داشتند؛ اما نتوانستند دوام بیاورند و رو به زوال گذشتند.

در همان اوان که قدرت مقابل، این دامنه وسیع و مجموعه گسترده را به فرسودگی و زوال سوق می و داد، یکباره انقلاب اسلامی اتفاق افتاد. آنها تصور می و کردند که مارکسیسم را به زانو درآورده و زنجیراند و کار او به پایان می و رود و درست هم بود؛ اما امام در همین زمان در پیام ماورای خود فرمودند که مارکسیسم به زباله و زنجیردان تاریخ سپرده می و شود؛ مبدا پس از سقوط، به امریکا پناه ببرید و ایشان این قطب جهانی را به دیانت و معرفت و عرفان و اسلام دعوت کرد.

در آن شرایطی که بزرگ و زنجیرترین قدرت چپ و بزرگ و زنجیرترین و وسیع و زنجیرترین بلوک انقلابی و چپ رو به افول می و رفت، یک و زنجیرمرتبه این انقلاب ظهور کرد و به رغم وعده و زنجیرهای شش و زنجیرماهه و یک و زنجیرساله و امروز و فردا شدن که این انقلاب و این نظام برآمده از آن چیزی دوام نخواهد آورد، چهل سال دوام آورده، به و زنجیرکنار، بلکه پا را فراتر گذاشته و مرزها را درنور دیده.

آنها امروز دیگر با این مشکل روبه و زنجیرنیستند که انقلابی صورت گرفته که پایگاه و رژیم وابسته به آنها را نابود کرده؛ بلکه اکنون با این مشکل مواجه و زنجیراند که کشورهای مختلفی تحت تیول و سیطره این انقلاب و زنجیراند و این انقلاب در هر نقطه و زنجیرای که اراده می و کند در مقابل آنها می و ایستد و با موفقیت هم می و ایستد. آنها با این مشکل مواجه و زنجیراند که چهل سال است که همواره در تمامی جبهه و زنجیرها می و بازند و چهل سال است که هر جا که این انقلاب اراده می و کند با موفقیت سر بر می و آورد.

همه این بازی و زنجیرهایی که در دوره و زنجیرهای مختلف درآوردند، از کودتاهای پیاپی که تصور می و کردند انقلاب با کودتا روی کار آمده و با کودتا هم می و زنجیرتوان آن را برچید. بارها کودتا کردند و موفق نشدند و یا با شورش و زنجیرهای حتی مسلحانه خیابانی و اخیراً نیز این اغتشاشات که اتفاق افتاد و تصور می و کردند که خیلی مهم است. مهم و زنجیرتر از این اغتشاشات، شورش و زنجیرهای قبلی بود. سال ۶۱ یک جریان با ۲۵۰۰۰ نیروی مسلح به خیابان آمد؛ یعنی یک لشکر جوان و جری به خیابان آمدند و در هم شکسته شدند. آن جریان خیلی قوی و زنجیرتر از اغتشاشات سال جاری بود. همین و زنجیرطور سال ۷۱، سال ۸۸، و پس از این هم از این وقایع اتفاق خواهد افتاد. اما این انقلاب عمیق و زنجیرتر و عظیم و زنجیرتر از آن است که به بادهای متعفن که از غرب می و زنجیروزد و ریشه در غرب دارد، از جا تکان بخورد و فردا و زنجیران شاء الله خواهیم دید که مردم درست مثل چهل سال پیش به صحنه خواهند آمد و تکلیف مردم هم همین است. هم تکلیف مردم است که به خیابان و زنجیرها بیایند و هم حق آنهاست که اعلام موضع کنند و از حقوقشان دفاع کنند و بگویند ما این انقلاب را به وجود آورده و زنجیرایم و

پشت این انقلاب هستیم و حیات و زیست ما با این انقلاب پیوند خورده و از حقوق و حیات و هستی خودشان دفاع کنند.

این مسئله یک تکلیف شرعی است، به این اعتبار که از دین و میهن و آرمان‌های بلند الهی و خون سیصد هزار شهیدشان دفاع می‌کنیم. در عین حال تکلیف ملی هم هست، چون هویت ما به این انقلاب پیوند خورده و در دفاع از هویت ملی خود از چیزی فرو نمی‌گذاریم و ملت ایران، در همه تاریخ، نشان داده‌اند که در سراسر تاریخ، آنگاه که بحث هویت، ملیت، استقلال و حریت ایرانی بوده به صحنه آمده‌اند و در قبال خطرهای دشمن ایستاده‌اند.

در عین حال تکلیف ملی ما نیز هست که ان‌شاءالله به صحنه بیاییم و خداوند متعال هم وعده خود را عملی می‌کند؛ ان‌تنصرالله ینصرکم؛ و این، یاری خداوند متعال و یاری امام زمان علیه‌السلام است؛ یاری حضرت سیدالشهداء است و حضور در عرصه‌ها و خیابان‌ها در واقع پاسخی است به: هل من ناصر ینصرنی؛ سیدالشهداء و شهدای مسیر آن بزرگوار.

مردم ما قطعاً درکی عمیق از شرایط دارند و من پیش‌بینی می‌کنم که همین اغتشاشات بی‌پایه و بی‌مایه و پریشانی که جریان‌های مختلف، با پشتیبانی غرب شکل دادند، مردم را امسال تحریک و تحریض کرده و از سنوات گذشته بانشاط‌تر، شورانگیزتر، کمی‌تر و کیفی‌تر به صحنه خواهند آمد.